

## بررسی نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل «دوران بلوغ» دختران دوره راهنمایی در شهر تهران (۱۳۷۲)

سرمایه‌های ذیقیمت از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از علل تسریع‌کننده رسیدگی به مشکلات نوجوانان و رفع نیازمندیهای آنان، جمعیت کثیر این گروه می‌باشد. حدود ۴۵ درصد جمعیت ایران زیر گروه سنی ۱۵ سال قرار دارند بطوری که در کشور ما بیش از ۱۴ میلیون نوجوان و جوان زندگی می‌کنند.

دانشمندان معتقدند که نوجوان در دوران بلوغ باید از آگاهیهای لازم این دوران بحرانی مطلع گردد و به منظور کسب سلامتی و بالاترین سطح جسمی، روانی و اجتماعی، بر عهده والدین است که اطلاعات دوران بلوغ را در اختیار نوجوانان قرار دهند.

بوبک<sup>۱</sup> (۱۹۸۵) معتقد است آگاهی در مورد مسائل بلوغ و فاکتورهای اجتماعی و روانی که بر آن تأثیر می‌گذارد بسیار اندک است و نکته حائز اهمیت آن است که اگر دختران در زمینه مسائل دوران بلوغ خود شناخت و آگاهی نداشته باشند و نتوانند خود را با این مرحله از زندگی سازش دهند، اثرات سوء آن در زندگی زناشویی و اجتماعی آنها بروز خواهد کرد.

با توجه به لزوم و اهمیت آموزش مسایل دوران بلوغ و پیشگیری بحرانهای نوجوانان و با عنایت به این که در مورد آموزش به نوجوانان در حال حاضر اطلاعاتی در دست نمی‌باشد و با در نظر گرفتن این مسئله که مطالعه و بررسی این صفات در پرستاری و شناخت توانائی‌ها، نیازها، ناسازگاریها و ویژگیهای رفتار و خصوصیات روانی نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، لذا پژوهشگر اقدام به پژوهشی در

پژوهشگر: افتخار کریمی، کارشناس ارشد پرستاری  
استاد راهنما: خانم مهشید جعفرپور، عضو هیأت  
علمی دانشکده پرستاری و مامائی دانشگاه علوم  
پزشکی ایران  
استاد مشاور: خانم معصومه رحیمی‌نیا، عضو هیأت  
علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم  
پزشکی ایران

استاد آمار: آقای پرویز کمالی، عضو هیأت علمی  
دانشکده بهداشت دانشگاه تهران

### بیان مسئله پژوهش

در قرن اخیر نحوه مراقبت از کودکان و نوجوانان دستخوش تغییرات همه‌جانبه فاحشی گشته‌است که این تغییرات ناشی از تغییر نگرش جامعه می‌باشد. در گذشته نه تنها به کودکان به عنوان یک موجود مستقل که دارای نیازها و احتیاجات خاصی است توجهی نمی‌شد، بلکه به دلیل عدم پذیرش و درک مشکلات آنها، نوجوانان دچار ناامیدی بالقوه در رابطه با انتظارات بزرگسالان می‌شدند. در حالی که اکنون نوجوان به عنوان فردی مستقل با ظرفیت و توانائی و نیازهای مخصوص به خود مدنظر می‌باشد.

مسئله بلوغ و نوجوانی و رفع نیازمندیهای نوجوانان امروزه در کلیه کشورهای جهان اعم از ممالک متمدن یا در حال توسعه به صورت یک مسئله علمی و تربیتی درآمده‌است و در حقیقت یکی از مشکلات مهم زندگی اجتماعی به شمار می‌رود زیرا کودکان امروز یعنی تمامی فردای کره زمین که پی‌بردن به ارزش وجودی آنها می‌تواند آینده‌ای بهتر و ارزنده‌تر پیش روی ملل بگذارد. لذا تأمین سلامت جسمی و روانی این

1- Boback

فردی واحدهای مورد پژوهش چگونه است؟  
- نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری دوران بلوغ دختران و ارتباط آن با مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش چگونه است؟  
- نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ دختران دوره راهنمایی و ارتباط آن با مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش چگونه است؟

#### چهارچوب پنداشتی

چهارچوب پنداشتی این پژوهش بر اساس مفهوم "بلوغ و نوجوانی" استوار گردیده و در این قالب آموزش مسائل دوران بلوغ به نوجوانان و نگرش والدین مورد بحث قرار گرفته است. بطور کلی بلوغ به مرحله‌ای از رشد اطلاق می‌گردد که به سبب فعالیت تخمدانها، در اثر هورمونهای گنادو استمولین<sup>۱</sup> انسان دارای قدرت تکثیر می‌گردد. سازمان بهداشت جهانی نوجوانی را فرآیندی می‌داند که از آغاز ظهور ثانویه جنسی تا بلوغ کامل ادامه می‌یابد و در این دوران بر اساس تغییراتی که در هویت فرد پدیدار می‌گردد، کودک به بزرگسال تبدیل شده و از موجودی وابسته به انسانی غیروابسته تغییر می‌یابد. نوجوانی زمان بلوغ جسمی، اجتماعی و عاطفی است، به طوری که دختر برای زن بودن و پسر برای مرد شدن آماده می‌گردد. در برخی از کتب روانشناسی بلوغ و نوجوانی را کاملاً مترادف یکدیگر می‌دانند. واقعیت آن است که بلوغ از دوران کودکی و دوران نوجوانی کاملاً متمایز نیست بلکه فصل مشترکهایی با هر یک دارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که چرا در رفتار و کردار نوجوان نوعی عدم تعادل وجود دارد، زیرا از یک سو پیوند خود را از قلمرو کودکی کاملاً قطع نکرده، از سوی دیگر به عنوان یک نوجوان در جامعه

مورد بررسی نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ نموده و امیدوار است که نتایج این تحقیق بتواند راهگشایی برای مادران و نوجوانان در زمینه اهمیت آموزش دوران بلوغ باشد.

#### اهداف پژوهش

- ۱- تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ دختران دوره راهنمایی شهر تهران سال ۱۳۷۲
- ۲- ارائه پیشنهاداتی جهت کاربرد نتایج حاصل از پژوهش در پرستاری
- ۳- ارائه پیشنهاداتی جهت انجام پژوهشهای بعدی بر اساس یافته‌ها

#### اهداف ویژه

- ۱- تعیین برخی از مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش
  - ۲- تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل جسمی دوران بلوغ دختران و ارتباط آن با مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش
  - ۳- تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسایل جسمی - جنسی دوران بلوغ دختران و ارتباط آن با مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش
  - ۴- تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری دوران بلوغ دختران و ارتباط آن با مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش
  - ۵- تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ دختران دوره راهنمایی و ارتباط آن با مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش
- **سئوالهای پژوهش**  
مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش کدام است؟

- نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل جسمی - جنسی دوران بلوغ دختران و ارتباط آن با مشخصات

1- Gonado-stimulating Hormons

پذیرفته نمی‌شود. لذا نوعی نوسان شخصیتی در برخوردارهای وی مشاهده می‌شود. علیرغم مشکلات زیادی که در دوران بلوغ و نوجوانی وجود دارد، نوجوان سعی می‌کند تا بتواند اطلاعات زیادی در باره مسائل جسمی و جنسی بدست آورد که برای پیشگیری از انحرافات و آشفتگی‌های جنسی تنها راه، آموزش مسائل قبل و بعد از بلوغ می‌باشد.

#### مروری بر مطالعات

اسمتانا<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) تحقیقی در مورد ارزشیابی و توجیه تضادهای بین نوجوانان و مادران انجام داده‌است. اساس این تحقیق ارتباط بین والدین و نوجوانان و اختلاف بین آنها در سنین مختلف نوجوانی می‌باشد. جامعه مورد نظر در این تحقیق ۲۵۵ نوجوان در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی بود. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه بوده‌است و نتایج تحقیق نشان داده که تضاد بین نوجوان و خانواده بیشتر در سنین پائین یعنی سنین اولیه بلوغ می‌باشد و با پیشرفت سن این تضادها کاهش می‌یابد. پاپینی و میکا<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) تحقیقی در مورد تطابق بین بلوغ نوجوانان و اعتقادات نادرست آنها نسبت به خانواده انجام داده‌اند. اساس این تحقیق درک و هماهنگی والدین و نوجوانان از مفهوم بلوغ و رشد نوجوانان می‌باشد. نمونه‌ها شامل ۴۷ پدر و مادر، ۲۰ نوجوان پسر و ۲۷ دختر نوجوان در گروه سنی ۱۶-۱۱ سال بوده‌است. اطلاعات از طریق پرسشنامه بدست آمده و نتایج نشان داد که عوامل بسیاری باعث اعتقادات نابجا بین نوجوانان و خانواده گردیده‌است، همچنین مدارک نشانگر آن بوده که با توجه به تطابق ضعیف پدران با نوجوانان، بیشترین تضاد را نوجوانان پسر با خانواده داشته‌اند.

#### روش پژوهش

روش پژوهش شامل، نوع پژوهش، جامعه پژوهش، نمونه، مشخصات واحد، محیط و ابزار گردآوری داده‌های پژوهش می‌باشد.

#### نوع پژوهش

این پژوهش یک مطالعه زمینه‌ای است که در آن نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ دختران دوره راهنمایی توصیف گردیده‌است.

#### جامعه پژوهش

جامعه پژوهش در این بررسی مادرانی هستند که دختران آنها در سنین ۱۴-۱۱ سالگی و در یکی از مدارس راهنمایی مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش مشغول به تحصیل می‌باشند.

#### نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری

نمونه‌های مورد نظر در این پژوهش را مادرانی که دارای دختران نوجوان و مشغول به تحصیل در مدارس راهنمایی می‌باشند تشکیل داده‌اند. برای انتخاب نمونه‌ها و گردآوری اطلاعات در باره موضوع مورد پژوهش ۱۵۰ نمونه از واحدهای مورد پژوهش که دارای شرایط لازم جهت شرکت در این پژوهش بودند در نظر گرفته شد که از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای<sup>۳</sup> انتخاب شدند. نحوه انتخاب نمونه‌های پژوهش به این طریق بود که ابتدا تهران را به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم کرده و از هر منطقه دو مدرسه راهنمایی بطور تصادفی از طریق قرعه‌کشی انتخاب و از هر مدرسه راهنمایی

1- Smetana

2- Papini and Micka

3- Multistage-Sampling

فرزندان، رتبه فرزندان، سن نوجوان و وجود دختر بزرگتر در خانواده، سن همسر، شغل و تحصیلات همسر می‌باشد. قسمت دوم حاوی ۳۰ سؤال است که از این تعداد ده سؤال اول در ارتباط با تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل جسمی دوران بلوغ دختران و ده سؤال دوم جهت تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل جسمی - جنسی دوران بلوغ دختران، ده سؤال سوم در رابطه با تعیین نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری دوران بلوغ دختران دوره راهنمایی بوده است. از واحدهای مورد پژوهش خواسته شد که نظرات و عقاید خود را در مورد هر سؤال در یک مقیاس چهاردرجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، مخالفم و کاملاً مخالفم) با علامت‌گذاری مشخص نمایند. پرسشنامه مذکور پس از بیان اهداف توسط پژوهشگر در اختیار واحدهای واجد شرایط قرار گرفت و درخواست گردید که پرسشنامه در حضور پژوهشگران تکمیل و شخصاً تحویل گرفته شد.

#### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. کلیه داده‌های کسب شده از این پژوهش، به صورت جداول توزیع فراوانی مطلق و نسبی تنظیم گردید و برای وجود یا عدم وجود همبستگی بین دو متغیر در صفات کیفی از آزمون آماری کای دو و برای تعیین همبستگی بین صفات کمی از آمار استنباطی به صورت ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد و جهت تعیین معنی دار بودن این همبستگی آزمون زد<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفت. مواقعی که نتیجه آزمون اختلاف معنی دار آماری را نشان داد، حدود اطمینان همبستگی برای

۱۵ دانش آموز بطور تصادفی و با استفاده از لیست حضور و غیاب انتخاب و مادران آنها مورد مطالعه قرار گرفتند.

#### مشخصات نمونه‌های مورد پژوهش

کلیه واحدهای مورد پژوهش دارای مشخصات زیر می‌باشند:

- ۱) کلیه مادران حداقل سوادخواندن و نوشتن را داشته‌باشند.
- ۲) مادرائی که دختر دانش‌آموز آنها بین ۱۴-۱۱ سال سن داشته و مشغول به تحصیل در یکی از مدارس راهنمایی دخترانه در مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش تهران باشند.
- ۳) واحدهای مورد پژوهش در این بررسی مادران حقیقی فرزند خود بوده‌اند.
- ۴) کلیه مادران با فرزند خود زندگی می‌کرده‌اند.
- ۵) کلیه نمونه‌های مورد پژوهش ابتلاء به بیماری روانی شناخته‌شده‌ای را ذکر ننموده‌اند.

#### محیط پژوهش

این پژوهش در مدارس راهنمایی دخترانه وابسته به مناطق بیست‌گانه آموزش و پرورش شهر تهران انجام گرفت. دلیل انتخاب این محیط آن است که دسترسی به نمونه‌های مورد پژوهش از این طریق سهلتر صورت می‌گیرد.

#### روش گردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه شورایت<sup>۱</sup> بوده است که توسط پژوهشگر و بر اساس معیارهای کشور ایران تهیه و تدوین گردیده است. به منظور دستیابی به اهداف پژوهش پرسشنامه‌ای شامل دو قسمت حاوی ۴۱ سؤال تنظیم گردید.

قسمت اول ۱۱ سؤال مربوط به مشخصات دموگرافیک واحدهای مورد پژوهش شامل: سن مادر، وضعیت تأهل، شغل و تحصیلات مادر، تعداد

1- Shaw and Right

2- Z

جامعه بدست آمده و معادله خط محاسبه و خط رگرسیون نیز رسم گردید. در مورد تعیین نگرش، معیار سنجش و نمره بندی داده‌ها به صورت کاملاً موافقم، مخالفم، و کاملاً مخالفم می‌باشد که پس از نمره گذاری به صورت مثبت، خنثی و منفی، مطرح شده است. به منظور کسب امتیاز هر فرد سئوال‌ها همسو گردید و به جوابهای کاملاً موافقم، امتیاز ۳، موافقم امتیاز ۲، مخالفم امتیاز ۱ و کاملاً مخالفم امتیاز صفر در نظر گرفته شد و سپس جمع نمره نگرش هر فرد محاسبه گردید.

#### بحث و بررسی یافته‌ها

پژوهشگر به منظور دستیابی به نتایج دقیق تر و ارتباط با هدف ویژه شماره یک پژوهش «تعیین برخی از مشخصات فردی واحدهای مورد پژوهش»، ۱۰ جدول را تنظیم کرد. بر اساس این اطلاعات بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش به مادران گروه سنی بین ۳۰ تا ۳۴ سال اختصاص داشت که صددرصد متأهل و اکثریت آنها خانه دار بوده‌اند. یافته‌ها در ارتباط با تحصیلات واحدهای مورد پژوهش و همسر آنها بیانگر آن است که بیشترین درصد واحدهای مورد پژوهش با تحصیلات مقطع دیپلم و همسرانشان سطح تحصیلات ابتدائی و دیپلم می‌باشند. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثریت مادران بین گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال نسبت به آموزش مسائل جسمی دوران بلوغ نگرش خنثی داشته‌اند. همچنین آزمون کای دو نشان داده که بین شغل و تحصیلات و نگرش مادران اختلاف معنی دار وجود نداشته است. نتایج آماری حاصل از پژوهش نشانگر آن بوده که بین سطح تحصیلات واحدهای مورد پژوهش و نگرش آنها نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری دوران بلوغ همبستگی معنی داری وجود دارد و آزمون کای دو معنی دار بودن آن را تأیید کرده است. همچنین نتایج آزمون آماری نشان دهنده آن است که بین تعداد فرزندان و نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری

دوران بلوغ همبستگی قوی و معکوسی وجود دارد. همچنین در ارتباط با رتبه فرزندان، آزمون پیرسون نشان داده که همبستگی غیرمستقیم وضعیتی بین رتبه فرزندان و نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری دوران بلوغ وجود دارد و این همبستگی معنی دار می‌باشد. برای وجود همبستگی آماری بین سن نوجوان و نگرش مادران ضریب همبستگی پیرسون مورد استفاده قرار گرفت و نشان داد که همبستگی ضعیف و غیرمستقیمی بین سن نوجوان و نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری وجود دارد.

نتایج آزمون کای دو نشان دهنده آن است که بین تحصیلات همسر واحدهای مورد پژوهش و نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل عاطفی - رفتاری دوران بلوغ اختلاف معنی داری وجود داشته است.

نتایج آزمون آماری نمایانگر آن بوده که نگرش کلی مادران نسبت به آموزش دوران بلوغ، ۸۵ نفر (۱۰۰ درصد) خنثی و ۶۵ نفر دارای نگرش مثبت بوده‌اند. همچنین نتایج آزمون کای دو نمایانگر آن بوده که بین تحصیلات مادران و نگرش آنها نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ اختلاف معنی داری وجود دارد.

نتایج آزمونهای آماری نشانگر آنست که بین تعداد فرزندان و نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ همبستگی وجود داشته که این همبستگی معنی دار می‌باشد. همچنین بین رتبه فرزندان و نگرش مادران ارتباط معنی داری وجود داشته است بطوری که هر چه رتبه فرزندان بالاتر باشد از نگرش مثبت مادران کاسته می‌شود.

#### کاربرد یافته‌های پژوهش

با توجه به این که یافته‌های پژوهش نشان دهنده وجود نگرش منفی در گروه مادران زیر ۳۰ سال نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ می‌باشد لذا پیشنهاد می‌گردد که به این گروه سنی مادران، آموزشهایی در

سنجش قرار داده است، لذا پیشنهاد می‌گردد تحقیق مشابهی تحت عنوان "بررسی نگرش مادران نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ دختران بالای ۱۴ سال" انجام شود.

مطالعات نشان داده است که تحصیلات مادران در نگرش آنها نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ تأثیر دارد. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد، پژوهشی تحت عنوان "بررسی مقایسه‌ای بین گروه مادران بی‌سواد و تحصیل کرده انجام گیرد".

**منابع**

- 1- Adela, jarcheski and Mahan, Noreen. "loneliness in early Adolescents". An Empirical test of alternate explanations. Nursing Research. The state university of newjersey. New york: 1992.
- 2- Biocea, lana and Gulseth, karen. "Adolescent suicide". views of adolescents, parents and school personnel. W.B. Saunders company, 1997.
- 3- Kollar, Mary. and Groger, Maureen. Adolescent Anger. developmental study. university of tennessee. JCPN. Vol. 4. No. 7. 1991
- 4- Weinman.L. Maxine, Nelda, schreiber and Maralyn , Robinson , " Adolescent Mothers" Community Health. A. span publishers inc. 1992.

جهت چگونگی تأثیر آموزش دوران بلوغ در نوجوانان داده شود. همچنین با توجه به حیطة دیگری از یافته‌های پژوهش که نشانگر تأثیر تحصیلات مادران در نگرش مثبت آنها نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ می‌باشد، پرستاران بهداشت می‌توانند به هنگام بازدید از منازل به مادران بی‌سواد یا کم‌سواد آگاهیهای لازم را ارائه کنند. از آنجا که بیشترین درصد دختران در مدارس راهنمایی، بزرگترین دختر خانواده بوده و عدم تجربه قبلی مادران می‌تواند در ایجاد نگرش منفی آنها مؤثر باشد، لذا پرستاران در درمانگاهها و مراکز بهداشتی و درمانی می‌توانند به مادران آموزش دهند تا در مورد فرزندان دیگر با آگاهی و تجربه بیشتر مشکل‌گشای مسائل دوران بلوغ نوجوانان خود باشند.

نتایج این پژوهش می‌تواند در اختیار مددکاران و کارشناسان امور تربیتی و روان‌پرستاران قرار گیرد و پرستاران می‌توانند با تشکیل کلاسهای آموزش بهداشت اهمیت تأثیر آموزش مسائل دوران بلوغ را به والدین یادآوری نمایند.

**پیشنهادات برای پژوهش‌های بعدی**

با توجه به لزوم و اهمیت آموزش مسائل دوران بلوغ به نوجوانان، نیاز به پژوهش‌هایی در این زمینه از اولویت خاصی برخوردار می‌باشد.

از آنجا که این پژوهش فقط در مدارس دخترانه انجام شده است، لذا نمی‌توان یافته‌های آن را به کل جامعه نوجوانان تعمیم داد ولی می‌توان پژوهشهای دیگری تحت عنوان زیر و در جهت تکمیل آن به انجام رسانید:

یافته‌های این پژوهش نشان داد که مادران جوان نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ از نگرش مثبتی برخوردار نبوده‌اند، لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهش تحت عنوان "بررسی آگاهی مادران گروه سنی زیر ۲۰ سال نسبت به آموزش مسائل نوجوانان انجام شود".

از آنجا که این پژوهش نگرش مادران را نسبت به آموزش مسائل دوران بلوغ دختران ۱۱ تا ۱۴ سال مورد

**Investigate the attitude of mothers towards education of puberty problems in  
secondary school children, girls age between 11-14 years old**

(by: Eftekhar Karimi)

The present research is a field study in order to investigate the attitude of mothers towards education of puberty problems, in secondary school children, girls age between 11-14 years old, in Tehran, 1993.

The instrument used was a questionnaire and data was collected through a two section questionnaire. The first part contained demographic information (10 items), and the second section posed questions on the attitude of mother's towards education of puberty problems including 30 items.

A total of 150 mothers were selected randomly and participated in this study.

Statistical analysis was performed and for analytical correlations, Pierson and Chi-square tests were employed and data are presented in 54 tables.

The result revealed that the majority of mothers with positive attitude, was between the ages of 30-34 years, house holders and all of them married. Findings also indicated that mothers' and their husband's level of education have a direct influence on mothers, positive attitude towards providing education of Emotional-Behavioural problems during puberty.

The result also showed that with the increased number of children and their grade of birth, the positive attitude of mothers is diminished. Findings revealed that

mothers level of education has a direct influence in their attitude towards education of puberty problems. In contrary, the number of children and the grade of their birth have an opposite effect on their positive attitude.

Finally, application of results of this research based on these findings, suggestions for further investigations were presented.